

## اطلاعیه شماره 14

کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری

### وقتی جای صداقت و منطق خالی است و ریاکاری در دستور کار است!

#### ماهیت بوروکرات و مرتجع روزبه امامی

لنون تروتسکی: اپورتونیست‌ها، خرفت‌های مرتجع، و بزدل‌های خرده‌بورژوا هرگز وضعیتی را که سرنگونی سوسیالیستی را در دستور کار قرار می‌دهد، در نظر نگرفته‌اند و نخواهند گرفت. برای اینکار، باید یک مارکسیست انقلابی، یک بلشویک بود؛ برای اینکار، باید بتوان از افکار عمومی خرده‌بورژوازی «تحصیل‌کرده» که تنها ترس‌های خودخواهانه‌ی طبقاتی سرمایه‌داری را بازتاب می‌دهد، منزجر بود. «باری دیگر در باره‌ی علل شکست در اسپانیا»

از آنجایی که هدف و وسیله دائم جا عوض می‌کنند و باز از آنجایی که ابزار پست براننده‌ی اهداف پست است، می‌توان از اعمال انسان‌ها فهمید که به چه اهدافی وابستگی دارند، به ویژه زمانی که به ریاکاری و اعمال شنیع دست می‌زنند. تجربه‌ی قبل و بعد از انقلاب ثابت کرده است که تمام استالینیست‌ها و مانوئیست‌ها اهداف‌اشان از لحاظ تتوریک منشویکی (دید داروینیستی که

متعلق به بین الملل دوم، پلخائف، کانوتسکی و... بود) است و از اینرو است که از دید آن‌ها (مانند خط حزب توده، اکثریت، حزب چپ، گروه مهدی سامی و...) انقلاب به جای اینکه «انقلاب مداوم» مارکس و تروتسکی و «انقلاب لاینقطع» لنین باشد، پدیده‌ای است به اصطلاح مرحله‌ای. همینطور به جای «انترناسیونال کارگری سوسیالیستی» به «سوسیالیزم در یک کشور» معتقدند و نیز به جای «جبهه‌ی متحد کارگری» به «جبهه‌ی متحد خلق» و به جای «حاکمیت شوراهای کارگری» به «حاکمیت حزب» و به جای «تضاد کار و سرمایه» به «تضاد خلق و امپریالیزم» و... بدینسان اهداف با ابزار سازگار می‌گردد؛ یا هر دو باید پست شوند و یا هر دو باید از ارزش عالی انقلابی برخوردار باشند. اگر اهداف پست باشد، نمی‌توان با ابزار انقلابی به آن‌ها رسید. لذا موقعیت ایجاب می‌کند که مانند استالین باید ابزار را با اهداف یکی کرد و تمام بلشویک‌ها و انقلابیون و کل مخالفان را از دم تیغ گذراند و از ابزار پست مانند پرونده‌سازی، توهین، تهمت، افترا، دروغ و... نهایت استفاده را بُرد تا در سایه‌ی این ابزار پست آن‌ها را توجیه کرد. برنامه‌ی حزب توده همان بود که استالین داشت و در همه جای دنیا هم به رهبرانی مانند عبدالصمد کامبخش، کیانوری، احسان طبری نیاز داشت تا بتوانند با سرمایه‌داری به طرق مختلف مماشات کرده و از در سازش برآیند و خاک به چشم طبقه‌ی کارگر بپاشند و آن‌ها را از کسب قدرت سیاسی دور نگه دارند و در سایه‌ی این سیاست کاسه‌ی کدائی را دست طبقه‌ی کارگر بدهند و...

و یا در غیر این صورت باید مانند لنین با ایجاد برنامه و استراتژی انقلابی «بلشویزم نو» در تزه‌های آوریل و چهارکنگره اول، که لنین در آن‌ها حضور فعال داشت، به طور کلی با «بلشویزم قدیم» تسویه حساب نمود (البته منهای

اشتباهاتی که در آن تنوری ها نلین و تروتسکی کرده بودند) و تنوری های انقلابی را تنوریزه کرد (تنوری هایی مانند دوران گذار، دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا، فاز اول و دوم کمونیزم، تضاد کار و سرمایه، جبهه‌ی متحد کارگری، انترناسیونال کارگری-سوسیالیستی، انقلاب کارگری-سوسیالیستی از پانین و مداوم، ساختن جامعه‌ی سوسیالیستی در سطح بین‌المللی و...). بر این اساس باید ابزار مناسبی هم برای این تنوری های انقلابی در نظر گرفت تا ابزار و اهداف با هم منطبق باشند و الا ممکن نیست با ابزار ضدانقلابی به اهداف انقلابی رسید. استفاده از ابزار ضدانقلابی برای رسیدن به اهداف انقلابی کجراهی بیش نیست و به سرابی بیش نمی‌رسید. نمونه‌ی آن نتیجه‌ی سیاست های جریان‌ات چپ در ایران بلافاصله بعد از انقلاب 57 بود که منجر به قدرت گرفتن خمینی گردید. کلاً باید از انحرافات و ابزار پست برحذر بود و استفاده از ابزار پست مانند: تهمت، افترا، توهین، دروغ، پرونده‌سازی، سانسور، حذف و... در سرکوب اپوزیسیون و مخالفان دوری کرد. به دلیل اینکه مارکسیست‌ها، لنینیست‌ها، تروتسکیست‌ها و سوسیالیست‌های انقلابی و حقیقی برخلاف استالینیست‌ها و مائونیست‌ها نیازی به روی آوردن به ابزار پست برای رسیدن به اهداف‌شان ندارند و با استفاده از این ابزار نمی‌کوشند خود را از استراتژی اصلی جدا کرده و منحرف کنند. انسان‌ها انقلاب می‌کنند تا بتوانند سرنوشت‌شان را خود در دست گیرند و از ستم انسان بر انسان رهائی یابند. این استراتژی ذاتاً ابزار خاص خود را نیاز دارد. لذا کمونیست‌ها/سوسیالیست‌های حقیقی حتی در برخورد با دشمنان طبقاتی خود هم از ابزار پست تهمت، افترا، دروغ، توهین، سانسور، حذف و... بکار نمی‌برند، زیرا آن‌ها بهترین ابزار را در دست دارند و آن بیان حقیقت است. برای آن‌ها

سلاحی برنده تر از گفتن حقیقت نیست و این حقیقت زمانی بارز می‌گردد که همه با هر عقیده و مرامی حق آزادی بیان را بدون اگر و اما داشته باشند؛ در شرایطی که نمی‌توان به هر بهانه‌ای نظرات مخالف و متفاوت را سانسور و یا حذف نمود.

بر این مبنا یکی دیگر از مهم‌ترین ابزار مبارزه برای کسب حق تعیین سرنوشت به دست انسان‌های تحت ستم باید مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری باشد که باید توسط کمونیست‌ها/سوسیالیست‌های مترقی و انقلابی دامن زده شود. زیرا الفاظ شوک‌آور و توهین‌آمیز ابزاری است که بوروکراسی بورژوازی و خرده‌بورژوازی برای عقب‌راندن و سرکوب و خفقان نیروهای مترقی به آن نیاز دارد؛ وقتی جای حرف حساب و منطق خالی است، باید از رعب و وحشت و سرکوب برای حفظ قدرت استفاده کرد. بوروکراسی و دموکراسی دو کفه‌ی یک ترازو است. آنجا که وزن بوروکراسی کم باشد، طبیعتاً وزن دموکراسی کارگری زیاد می‌شود و هر جا که وزن بوروکراسی زیاد باشد طبیعتاً دموکراسی کارگری وزن قابل ملاحظه‌ای ندارد. صحبت کردن از دموکراسی بدون مبارزه با بوروکراسی حرف مفتی که ما به‌یاد عملی ندارند. خصلت مبارزه با بوروکراسی اینگونه است که چهره‌ی واقعی تمام دون صفت‌ها، مماشات‌جوها و ضدانقلابیونی که لباس انقلابی به تن دارند را بیرون می‌ریزد و آن موقع می‌توان بدون این عناصر ضدانقلابی، تشکیلات واقعی برقرار کرد که در نیمه راه منحرف نشود. مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری اولین شرط یک تشکیلات انقلابیست. چگونگی نتیجه‌ی ابزار پست براننده‌ی اهداف پست می‌باشد را جنبش کارگری که یک جنبش و

طبقه‌ی کارگر جهانی است، در بلوک شرق، چین، کامبوج و... به عین تجربه کرده است.

اکنون در این اطلاعیه باید به مورد خاص فردی به نام روزبه امامی که یک مائونیست می باشد، اشاره کرد. همانگونه از بحث بالا می توان برگرفت، اهداف مائونیست ها غیرانسانی، همکاری با بخشی از سرمایه داری و بر تئوری های منشویکی استوار است و بر این مینا ابزار پست دروغ، تهمت، افترا، شانتاژ، پرونده سازی و... برای رسیدن به هدف بسیار رایج است.

روزبه امامی در تاریخ 1021/3/26 مطلبی با محتوای "در مورد شعارهای سلبی انقلاب" گذاشت که در آن، سه بار از کلمه‌ی "آلترناتیو" در مورد جانشینی حکومت، لب به سخن باز کرده بود و در این نوشته خاطر نشان کرد که:

"نه در مورد حکومت آینده. یقیناً در این جامعه، شعار "زنده باد سوسیالیسم" که کمال مطلوب هر انقلابی کمونیست است، فقط و فقط نیروهای چپ جامعه را بسیج می کند و حال آنکه اگر شعار مرگ بر جمهوری اسلامی (یا شعارهای حامل این مفهوم حتی با کلمات دیگر) در میان توده ها مطرح و همه گیر شود، تمامی نیروهای سرنگونی طلب با هر افق فکری را حول خود بسیج و به میدان خواهد کشاند، بدون آنکه در مورد آلترناتیو مطلوب ایشان، امتیازی بدهد."

روزبه امامی در اینجا نشان داد که "شعار زنده باد سوسیالیزم" فقط شعار معروف و مطلوب انقلابی کمونیست ها است و فقط نیروهای چپ را بسیج می کند - و برای انقلاب که به عمد مشخص نمی کند چه نوع انقلابی است-

پیشنهاد می‌کند که باید پشت "شعار مرگ بر جمهوری اسلامی" بسیج شد. او سپس بر این است که "تمامی نیروهای سرنگونی طلب با هر افق فکری را حول خود بسیج" و به میدان کشاند. یعنی پشت شعار همه با هم با زبان بی‌زبانی مردم را به "جبهه‌ی متحد خلق" مائوئیستی/استالینیستی، مانند حزب توده، دعوت می‌کند و در آخر کشف می‌کند که انقلاب 57 را خمینی به انحراف کشید و همه‌ی تدارکات را خمینی طرح ریزی کرده بود و مدعی می‌شود که خمینی چقدر آدم فکوری بوده و اما اصلاً اشاره نمی‌کند که او یکی از مهره‌های سرمایه‌ی مالی جهانی (سرمایه‌داری جهانی) و مهره‌ی اصلی در سرکوب انقلاب 57 بود و....

رفیق یاشار آذری توضیح می‌دهد که "من زیر این فایل نه چیزی نوشتم و نه کاری کردم، فقط لینک سخنرانی تراب ثالث که فکر کردم به این نوشته خیلی مرتبط است به نام «دولت آترناتیو چگونه دولتی است» را قرار دادم.

<http://www.nashr.de/amuzeshi/dolateAlternativ.mp4>

لینک بحث تراب ثالث که نشان از این داشت که آترناتیو سوسیالیست‌های انقلابی چه باید باشد.

رفیق یاشار آذری ادامه می‌دهد: "روزبه امامی بدون اینکه چیزی بنویسد این لینک را پاک کرد، من فکر کردم شاید این لینک را در جای دیگری اشتباهی گذاشتم، زیرا به فکرم هم خطور نکرد که روزبه امامی آن را پاک کرده باشد و بار دوم گذاشتم که باز فردا دیدم دوباره پاک شده و برای بار سوم این لینک را گذاشتم و با خودم گفتم اگر این دفعه پاک شود دیگر مطمئن

خواهم شد که کار اوست. ولی متأسفانه روزبه امامی بدون کوچک‌ترین  
اخطاری، اول مرا بلوکه کرد و بعد آن لینک را حذف نمود."  
«و در این میان رفیق دیگری به اسم اوتیس سلطانزاده به این کار او  
اعتراض کرد که او در جواب نوشت: "آقای محترم، یاشار آذری که هیچ، اگر  
خود کارل مارکس هم ظهور کند و خارج از موضوع بحث در این پست مطلب  
بگذارد (آن هم مطلب از دیگران!) بنده بدون هیچ تعارفی پاک خواهم کرد!"»  
در اینجا این شخص نه تنها با یاشار آذری که حتی با مارکس هم چنین رفتار  
می‌کند!

واضح است که روزبه امامی هم مانند توده‌ای‌ها، تنها به دوستان خود اجازه  
می‌دهند تا از دیگران مطلب بگذارند، نه به مخالفان! گویا تصور می‌کند که به  
یک نظر به اصطلاح انقلابی مائونیستی/استالینیستی رسیده و می‌تواند این حق  
را از دیگران سلب کند. اما از نظر یک مارکسیست/سوسیالیست انقلابی این  
کار کاملاً یک کار ضدانقلابی در سطح جمهوری اسلامی است. زیرا با این  
حساب نه از مارکس، لنین، تروتسکی و... یا حتی تراب ثالث و... نمی‌توان  
مطلبی گذاشت.

رفیق آذری توضیح می‌دهد که «در این میان شخص دیگری به نام مجید  
مظاهرزاده به روزبه امامی تفهیم می‌کند که شما چنین حقی ندارید. اول باید  
از خود این شخص می‌خواستید که این مطلب بی ربط را خودش پاک کند نه  
شما و اگر اینکار را نمی‌کرد شما به او اخطار می‌دادید که این کار را انجام  
خواهید داد. اما شما نه تنها اینکار را نکردید بلکه هم فایل را پاک کردید و هم  
این شخص را بلوکه کردید. چطور به خودتان اجازه می‌دهید به خاطر گذاشتن  
یک مطلب "بی ربط" شخصی را بلوکه کنید؟ بالاخره بعد از یکی دو بار

دیالوک کردن، مجید مظاهرزاده می بیند که این روزبه امامی روی اشتباه خودش به عنوان یک کار به اصطلاح انقلابی پافشاری می کند و خلاف این کار را "آنارشیسیم" می خواند با نوشتن "صدآفرین همین کار را ادامه بده" بحث را قطع می کند و دیگر ادامه نمی دهد. ولی روزبه امامی کوتاه نیامده و این شخص را هم بلوکه کرده و نوشته های او را هم حذف می کند. ولی مسأله به اینجا ختم نمی شود پشت سر این شخص رفیق آوتیس سلطانزاده لب به اعتراض می گشاید و خاطرنشان می کند که:

"جناب روزبه امامی من مطمئن هستم که مرا هم به دلیل اعتراض به ساتسور و حذف افراد به بهانه های مختلف مانند دیگر افراد بلوکه خواهید کرد زیرا منطق شما چنین ایجاب می کند. حالا به نظر شما یاشار آذری بی مورد مطلب گذاشته بود، چرا به او اخطار ندادید و ازش نخواستید که مطالب بی ربط نگذارد و یا این مطلبی که شما پاک کردید بخواهد خودش به دلیل بی ربط بودنش پاک نماید. دوم رفیق دیگری به اسم مجید مظاهرزاده **Majid**

به عنوان اعتراض به عملکرد شما مطالبی نوشت و شما چون جواب قانع کننده نداشتید، مطلب نوشته شده توسط این شخص را حذف کردید و هم او را بلوکه کردید. دلیل این کارهای شما چیست؟ یعنی حتی کسی حق اعتراض به اعمال شما نمی تواند داشته باشد؟ همین کار شما را، جمهوری اسلامی، ترامپ، حکومت چین و... با کارگران و زحمتکشان می کنند. همه ی این هان نشان از این دارد که شما نمی خواهید در خود کوچک ترین تغییری را بدهید. یعنی اعتقاد شما یک اعتقاد دگم و مذهبی می باشد."»

رفیق آذری می گوید: «ولی چند دقیقه بعد باز این رفیق بلوکه شده و مطالب اش حذف گردید. اما من رفیق دیگری را می شناختم که این شخص او



را بلوکه نکرده بود و من در اعتراض به روزبه امامی مطلبی نوشتم و از او خواستم این را زیر فایلی که روزبه امامی در صفحه او داشت بگذارد تا روزبه امامی این مطلب را هم ببیند، قصد و قرض من، پی بردن روزبه امامی به اشتباه اش بود، شاید مجبور به این برخورد نشود. ولی روزبه امامی بعد از خواندن این مطلب به عنوان تمسخر خنده ای مذبوحانه زیر نوشته من گذاشت.» وضعیت مضحکی است، اما بسیار جدی! انسان ممکن است خنده اش بگیرد، ولی نمی شود از زیرساختار چنین برخورد صرف نظر کرد؛ نمی شود و نباید به سادگی گفت که «ای بابا! ولش کن! مهم نیست!» آیا چنین شخصی اهداف پستی را دنبال می کند که از ابزار پست استفاده می نماید؟! طبیعتاً جواب مثبت است! مثبت بودن پاسخ، خود، دلیل آگاهانه و عمدی بودن اینگونه برخوردها است. اینگونه افراد، در مدیای اجتماعی خود، تبلیغات بورژوائی می کنند و طبقه ی کارگر و تحت ستم را با به اصطلاح همدردی خود، به مبارزات انحرافی دعوت می کنند و در واقع به وسیله اینگونه افراد، افکار عمومی را در مبارزات طبقاتی به نفع بورژوازی شکل و فورم می دهند و نمی گذارند نیروهای پیشرو و انقلابی فعالیت مؤثر داشته باشند. این ها بلندگوهای دستگاه تبلیغاتی یا پروپاگاندا ی بورژوازی داخلی و سرمایه داری جهانی هستند. نمی شود از کنار این ها گذشت و به اعمالشان توجه نکرد!

از اینرو است که برخورد به این کار روزبه امامی باید در کل جنبش کارگری انقلابی جدی گرفته شود. این نوع کارها ثمره ی افکار ضدانقلابی مائوئیستی و استالینیستی است که امروز در حفظ نظام سرمایه داری و ممانعت از ایجاد جنبش انقلابی سوسیالیستی می کوشد. متأسفانه جنبش چپ ایران ریشه در این دو جریان دارد. این سیاست های حذف و خفقان باعث می شود که انسان ها

نتوانند پیش هم نشسته و به بحث و جدل انقلابی بپردازند. این یک روش بوروکراتیک علیه آزادی بیان می‌باشد و چنین کسانی در عمل مدافع زندان، شکنجه، اعدام و ترور مخالفان خودشان می‌باشند و آزادی بیان را مانند فالانژها و حزب الهی‌ها فقط برای خودشان می‌خواهند، نه برای همه‌ی انسان‌ها با هر نوع طرز فکری.

سوسیالیست‌های انقلابی و حقیقی به حق مورد نفرت مانوئیست‌ها، استالینیست‌ها، سوسیال‌دموکرات‌ها، لیبرال‌های بورژوا و فاشیست‌ها هستند. سوسیالیست‌های انقلابی و حقیقی در هیچ یک از جبهه‌های مردم نه جانی دارند و نه می‌توانند جانی داشته باشند. سوسیالیست‌های انقلابی با تمام گروه‌بندی‌های سیاسی که چشم به پیشخوان بورژوازی دوخته‌اند، به مبارزه‌ای مسالمت‌ناپذیر دست می‌زنند.

وظیفه ما- الغای سیطره‌ی سرمایه‌داری.

هدف ما- سوسیالیزم.

شیوه ما- انقلاب پرولتاریائی با تکالیف مرکب (دموکراتیک و سوسیالیستی).

بدون دموکراسی درونی- آموزش انقلابی وجود ندارد.

بدون انضباط - عمل انقلابی وجود ندارد.

بدون مبارزه با بوروکراسی - دموکراسی کارگری وجود ندارد.

ساخت درونی ما بر اصول مرکزیت دموکراتیک بنیان نهاده شده: آزادی کامل در بحث، اتحاد کامل در عمل.

امروز در دوران «فاشیزم نو» بین‌المللی، ساختن هسته‌های کارگری- سوسیالیستی و از طریق این هسته‌ها ساختن حزب پیشروی کارگری امکان‌پذیر است.

حقیقت همیشه درخشنده است!

مرگ بر بوروکراسی و جاه‌طلبی!

23 فروردین 1400

11 آوریل 2021

در زیر فایل‌هایی که به عنوان سند از این بحث است عیناً آورده شده است.

merz 2021/3/26

روزبه امامی

· [2tSpni6e.od nsaMärzo.uncirfsm 2dr3fnnellardhl:17](#)

در مورد شعارهای سلبی انقلاب

شعار سلبی شعاری است که علیرغم اختلاف نظر نیروهای موجود در صحنه در مورد حکومت جانشین (آلترناتیو)، \*نقطه ی اشتراک\* ها را مبنا قرار میدهد و دقیقاً به همین علت، بیشترین نیرو را حول خود بسیج می‌کند و در نتیجه می‌تواند شدیدترین ضربات را بر فرق حکومت وارد نماید.

در لحظه ای که جامعه وارد فاز تقابل آشکار میان حکومت مستقر و نیروهای ترقی خواه می‌شود، عامل تعیین کننده در زورآزمایی دو طرف اصلی اختلاف، فقط نیروست! برای درهم شکستن نیروی های مادی مدافع ارتجاع، باید نیروی بیشتر و به مراتب قوی تری از آنچه او وارد میدان می‌کند بسیج کرد، در غیر اینصورت، باز هم قیام مردم سرکوب می‌شود و ارتجاع بر اوضاع مسلط می‌گردد.

به این دلیل، تئوری ای پیشرو ارزیابی می‌شود که اقدام مشترک بیشترین نیروهای سیاسی، برای وارد آوردن شدیدترین ضربه ها را در عمل تضمین کند. سرنوشت انقلاب، اعم از پیروزی یا شکست، در گرو این عامل، یعنی اقدام مشترک است و اقدام مشترک فقط می‌تواند نتیجه ی نظر مشترک نسبت به حکومت باشد.

متأسفانه، آرایش سیاسی جامعه ما بگونه ای است که نیروهای موجود در صحنه ی سیاسی، (دستکم در این زمان)، صرفاً در مورد سرنگونی حکومت مستقر اشتراک نظر دارند، نه در مورد حکومت آینده. یقیناً در این جامعه، شعار " زنده باد سوسیالیسم" که کمال مطلوب هر انقلابی کمونیست است، فقط و فقط نیروهای چپ جامعه را بسیج می‌کند و حال آنکه اگر شعار مرگ بر جمهوری اسلامی (با شعارهای حامل این مفهوم حتی با کلمات دیگر) در میان توده ها مطرح و همه گیر شود، تمامی نیروهای سرنگونی طلب با هر افق فکری را حول خود بسیج و

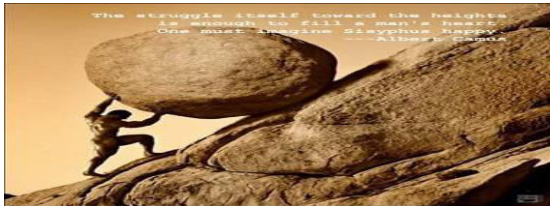
به میدان خواهد کشاند، بدون آنکه در مورد آلترناتیو مطلوب ایشان، امتیازی بدهد. در چنین وضعیتی، سرنگونی جمهوری اسلامی حتمی است.

در مورد تأثیر مثبت شعارهای سلبی در دوره ی تلاطمات سیاسی جامعه، کافی است بیاد آوریم که خمینی شباد که ضمناً هوشیارترین عنصر طبقه ی خود نیز بود، قبل از پیروزی انقلاب، تعریفی حکومت آینده به دست نمی داد و صرفاً می گفت "باید برود!" حتی در زمان رفراندوم کذایی نیز مردم نمی دانستند که به چه نوع حکومتی آری می گویند و بجز معدودی نخبه های جامعه (نظر زنده یاد احمد شاملو)، کسی از محتوای حقیقی جمهوری اسلامی خبری نداشت.

چرا آخوندها از آلترناتیو خود رونمایی نمی کردند؟ آیا علت آن بود که خمینی خود نمی دانست برنامه اش برای جامعه ی ایران چیست؟ یقیناً خیر، او از سالها پیش طرح تشکیل جمهوری اسلامی و ولایت فقیه را ریخته بود و با نزدیکان خود مرور کرده بود. خمینی در عین حال آگاه بود که صرف نیروهای قائل به جمهوری اسلامی، نه توان انقلاب کردن دارند و نه توان اداره ی کشور را در فردای پیروزی! برای پیروزی، لازم بود که ارتجاع مذهبی از دیگر مخالفان حکومت پادشاهی یارگیری کند، ولو موقتاً و صرفاً تا هنگام سوار شدن بر اسب قدرت، و این نکته ی کلیدی در صورتی امکان پذیر می شد که خمینی بر شعارهای سلبی مشترک تأکید کند. این معنای "وحدت کلمه" از دید آن جانی بالفطره بود. من اطمینان دارم که اگر کسی قبل از پیروزی انقلاب از محتوای حکومت مورد نظر خمینی اطلاع می یافت، امکان نداشت او متحدی بیابد و حتی مردم عادی از پیوستن به او تن می زدند، چه برسد به نیروهای سیاسی سرد و گرم چسبیده جامعه ی ایران .

و اینگونه بود که خمینی، این دشمن قسم خورده ی آزادی و عدالت با اصرار بر شعار سلبی "باید برود"، بر امواج انقلاب ضد سلطنتی 1357 سوار شد و آن کرد که دیدیم و آن همواره ادامه دارد .

مرگ بر جمهوری اسلامی!



**Mohamad Elahi**

شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد سوسیالیست تنها راه نجات ما از این جانیان است حتی اگر کسانی از نظر عقیدتی با ما متحد نباشد از درون و پایبند به این شعار شود کمک عمده ای به حرکت میشود امروز حجم آزادی خواهان با درک به حد کافی هست که در پیش برد جریان نا خالصی ها نا موفق و به کناری خودشان رانده میشوند ضرورتی ندارد که ما با آنها درگیر شویم

Gefällt mir



**Avetis Sultanzade**

یاشار آنری: روزبه امامی به دلیل درج مطالب تراب ثالث و دخالت در بحث ها بلخره اقدام به حذف یاشار آنری در صفحه اش نمود و نشان داد که ابزار سانسور و حذف همانقدر که متعلق

به نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی است، متعلق به مائوئیست ها و استالینیست ها نیز می باشد، قبلا من را بهرام دانش مائوئیست و دیگر مائوئیست ها نیز مجبور به حذف شده اند، زیرا نه جوابی برای گفتن دارند و نه تحمل انتقاد و نه میل به تغییر انقلابی، نشان از این دارد که این مذهبون هم جزء مذهبون مائوئیست می باشند. ثابت می کنند که حذف و سانسور جزو فعالیت "انقلابی" استالینیست ها و مائوئیست هاست و با سیستم سرمایه داری در یک جبهه هستند. زیرا متعلق به جبهه خلق و دشمن جبهه متحد کارگری هستند.

Gefällt mir

### روزبه امامی

آقای محترم، یاشار آذری که هیچ، اگر خود کارل مارکس هم ظهور کند و خارج از موضوع بحث در این پست مطلب بگذارد (آن هم مطلب از دیگران!) بنده بدون هیچ تعارفی پاک خواهم کرد! شما بفرمایید چرا مطالب خارج از موضوع را روی دیوار های خودتان به اشتراک نمی گذارید و از فضای دیگران سوء استفاده می کنید!

Gefällt mir

### روزبه امامی

هر چیزی بجای خود خوب است و این آزادی نیست که هر مطلبی را در هر جایی مطرح کنیم و انتظار داشته باشیم که خلاق سکوت کنند، این آنارشیزم خالص است! ضمنا جهت اطلاع حضرتعالی، "اتحاد چپ ایرانیان و اشنگنن" چند سال پیش از تراب ثالث برای سخنرانی دعوت کرد و ایشان به و اشنگنن سفر نمود و در سمینار دو روزه ای که از سوی اتحاد چپ برگزار شد شرکت کرد و کلیه ی نظرانش را بیان و تشریح نمود. آمین یا رب العالمین!

### [Avetis Sultanzade](#)

جناب روزبه امامی من مطمئن هستم که مرا هم به دلیل اعتراض به سانسور و حذف افراد به بهانه های مختلف مانند دیگر افراد بلوکه خواهید کرد زیرا منطق شما چنین ایجاب می کند. حالا به نظر شما یاشار آذری بی مورد مطلب گذاشته بود، چرا به او اخطار ندادید و ازش نخواستید که مطالب بی ربط نگذارد و یا این مطلبی که شما پاک کردید بخواهید خودش به دلیل بی ربط بودنش پاک نماید. دوم رفیق دیگری به اسم مجید مظاهرزاده Majid Mazaherzade به عنوان اعتراض به عملکرد شما مطالبی نوشت و شما چون جواب قانع کننده نداشتید مطالب نوشته شده توسط این شخص را حذف کردید و هم او را بلوکه کردید. دلیل این کارهای شما چیست؟ یعنی حتی حق اعتراض کسی به اعمال شما نمی تواند داشته باشد؟ همین کار شما را، جمهوری اسلامی، ترامپ، حکومت چین و... با کارگران و زحمتکشان می کنند. همه این ها نشان از این دارد که شما نمی خواهید در خود کوچکترین تغییری را بدهید. یعنی اعتقاد شما یک اعتقاد دگم و مذهبی می باشد.

Gefällt mir

**البته به فایل های مجید مظاهرزاده دسترسی نداریم. زیرا خیلی سریع حذف شد و با وجود اینکه گوشزد کرده بودم که همه را کپی برداری کند موفق به اینکار نشد.**